

ویژگی‌های تعلیم و تربیت اسلامی

در گفتگو با دکتر غلامعلی افروز

میشم نمکی آرانی

اساسی‌ترین نیاز آدمی، «سلامت روحی، تعادل روانی و صحت اندیشه و تفکر» است و این مهم جز با فراهم آمدن مقدمات و زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادهای نهفته او و با توجه به ابعاد گوناگون وجودی او به دست نمی‌آید.

به فعلیت رسیدن استعدادهای بالقوه و شکوفایی توانایی‌های گوناگون در جهت صحیح و پسندیده - که آرزوی همه انسان‌ها برای رسیدن به سعادت و کسب موفقیت است - تنها در سایه تعلیم و تربیت صحیح و مراقبت‌های هوشمندانه و بخردانهٔ مربیان کارآزموده و فرزانه حاصل خواهد شد.

مکتب حیاتبخش و انسان ساز اسلام، به عنوان کامل‌ترین برنامهٔ هدایت انسان‌ها برای تأمین سعادت جامعهٔ بشری و رسانیدن او به کمال مطلوب، به «تعلیم و تربیت» بیش از هر چیز دیگر تکیه ورزیده و اساس و شالودهٔ توفیق آدمی را در پرتو تعلیم و تربیت صحیح دانسته است. برای فهم این نکتهٔ مهم و اساسی،



لازم است به بررسی موضوع و مفهوم «تعلیم و تربیت اسلامی» بپردازیم و به سؤالاتی در این باره پاسخ گوئیم. از آن جمله:

در تعریف تعلیم و تربیت به چه نکاتی باید اشاره کرد؟ ریشه‌ها و مشخصه‌های تعلیم و تربیت اسلامی چیست؟ وجوه افتراق مکتب تربیتی اسلام با دیگر مکاتب در چیست؟ اصول اساسی تعلیم و تربیت چیست؟ تربیت چه نقشی در تکوین هویت و شخصیت آدمی ایفا می‌کند؟ رابطهٔ تعلیم و تربیت با توسعهٔ تکامل چیست؟ تأثیر کارکردهای تربیتی در روند شکوفایی استعدادهای آدمی به چه میزان است؟ آفت‌های تربیتی کدام است؟ روش‌های مؤثر و مطلوب در تربیت دینی به چه روش‌هایی اطلاق می‌شود؟ عوامل مؤثر بر تعلیم و تربیت چیست؟ و ...

کوشش برای پاسخ دادن به سؤالهایی از این قبیل، رهیافتی است به سوی کشف مجهولات و یافتن قواعد و اصولی که می‌تواند آدمی را در ترسیم خطوط کلی زندگی یاری کند؛ از این رو، صحیفه‌ای گشوده‌ایم با نام «گفتگو» و با تنی چند از استادان و صاحب‌نظران در این باره به گفتگو نشستیم، امید است مقبول طبع و خاطر صاحبان اندیشه و نظر قرار گیرد.

* * *

در نخستین بخش، در محضر استاد، دکتر غلامعلی افروز، از صاحب‌نظران فرهیختهٔ تعلیم و تربیت اسلامی به گفتگویی صمیمانه در باب تعلیم و تربیت نشستیم که توجه خوانندگان گرامی را به آن جلب می‌کنیم.

مریجان: جناب آقای دکتر افروز، ضمن تقدیم احترام و تقدیر و تشکر از این که وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، لطفاً بفرمایید ویژگی‌های اصلی نظام تعلیم و تربیت اسلامی چیست؟

ج: محور اصلی در تعلیم و تربیت اسلامی، توجه به هدف غایی تربیت، یعنی:



به فلاح رسیدن است. اگر هدف از خلقت انسان عبادت خدا باشد، این عبادت نیز برای رستگار شدن است و همه هم و غم یک انسان موحد در مکتب اسلام این است که تلاش و مراقبت کند تا به «فلاح» برسد. به فلاح رسیدن یک ریشه تربیتی دارد.

«فلاح» از فَلَاح؛ یعنی، برید، جدا شد، رها شد؛ که نوعی رشد یافتگی است و نهایی ندارد و تا حد اعلا می‌تواند برود. بنابراین، جهت و هدف در تعلیم و تربیت اسلامی، به فلاح رسیدن و رستگار شدن است، در صورتی که در تعلیم و تربیت غربی، هدف به رفاه بیشتر رسیدن است.

هدف‌های عمومی تعلیم و تربیت که همان خودسازی، مسؤولیت پذیری، برقراری رابطه با دیگران و رسیدن به کفایت اقتصادی (که در تمام نظام‌های تربیتی دنیا مطرح است) جملگی با هدف غایی قابل تفسیر است. در تربیت اسلامی به چند رکن باید توجه کرد: اول؛ هدف غایی است که حایز اهمیت شایانی است.

دوم؛ «توجه به ویژگی‌های فطری انسان» است که شناخت این ویژگی‌ها هم مهم است.

محور یا رکن بعدی «شناخت ویژگی‌های انسان‌های رشد یافته» است (مثل مفلحین)، چهارم «شناخت الگوها و اسوه‌های تربیت» است (وَلَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ).

از مهم‌ترین محورها «انتخاب روش‌ها» است. روش‌هایی که اسلام مطرح می‌کند باید متناسب با ویژگی‌های زیستی، روانی و اجتماعی مخاطبان بوده، با مراحل شد افراد منطبق باشد، که بیشترین تاثیر را داشته باشد؛ از این رو، انتخاب نکردن یک روش صحیح در تعلیم و تربیت اسلامی، می‌تواند مشکل ساز باشد.

مربیان: با توجه به ویژگی‌هایی که بیان فرمودید، اهداف فرهنگی در برنامه‌های توسعه چگونه ترسیم می‌شود و نقش تعلیم و تربیت در دستیابی به اهداف توسعه کدام است؟

جواب: هدف عمده در توسعه، در واقع توسعه کمی است، یعنی کمیّت را



بیشتر کردن؛ مثلاً بر تعداد مدرسه و کارخانه و سدها افزودن؛ ولی در اهداف فرهنگی کیفیت مطرح است که با رشد و شکوفایی همراه می‌باشد. به همین سبب باید برای شکوفایی فرهنگی در زمینه‌های «تعلیم و تربیت»، «اخلاق اسلامی»، «روش‌های انتقال انسان‌های موجود به انسان‌های مطلوب»، «پرورش شخصیت مطلوب اسلامی» و... فصل مشخصی باز کنیم و به «خود شکوفایی انسان» بنگریم. برای این کار چاره‌ای نیست مگر این که از نقطه‌ای تحولی را آغاز کنیم.

اهداف فرهنگی در برنامه‌های توسعه، زمانی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که به کلام امام - رحمة الله علیه - که امام کلام‌ها بوده و هست توجه داشته باشیم؛ مضمون کلام امام چنین است: «در هیچ جامعه‌ای تحولی ایجاد نمی‌شود، مگر اینکه تحوّل در آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت ایجاد شود.» به همین جهت اگر بخواهیم به تعلیم و تربیت و فرهنگ بها بدهیم، باید به «ایجاد تحول» توجه کنیم. آغاز این تحول در دوره پیش دبستانی و دبستانی است و اساس و محور در تحول، مغز آدمی باید باشد نه در مدرسه و کتاب و وسایل کمک آموزشی و... در امر تعلیم و تربیت، باید متخصص‌ترین و متعهدترین افراد به مبانی تعلیم و تربیت و اصول اسلامی، این کار را به عهده بگیرند.

کشورهایی که توانسته‌اند به توسعه واقعی برسند و تکنولوژی برتر را کسب کنند، از تحوّل در آموزش و پرورش آغاز کرده‌اند. در برنامه توسعه پنج ساله من ندیدم که این کار به وضوح مشخص باشد. اگر از برنامه و بودجه و مجلس پرسیم که برنامه تعلیم و تربیت چیست پاسخی ندارند و بیشتر عدد و رقم مطرح است؛ در صورتی که باید بیشتر به رشد بیندیشیم.

مربیان: جایگاه مربی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی چیست؟

جواب: محور کار در تعلیم و تربیت به طور اعم و در تعلیم و تربیت اسلامی به طور اخص، پنج عامل مهم می‌باشد: یکی خود «مترّبی» است؛ یعنی اینکه بدانیم شخصیت، نگرش، هوش، بینش، ویژگی‌های عاطفی، ذهنی و زیستی مترّبی چگونه است؟ دوم، «نوع پیام» مهم است، یعنی اهمّیت پیام به چه میزانی است؛ آیا متناسب هست یا نه؟



سوم، «شرایط انتقال پیام» است؛ یعنی این که بدانیم ما در چه شرایط جغرافیایی، مکانی و زمانی پیام خود را منتقل می‌کنیم؟ چهارم، روش انتقال پیام است؛ که آیا این روش مستقیم صورت بگیرد یا غیر مستقیم؟ و مرحله پنجم که محور اصلی است (عامل انتقال)؛ یعنی معلم و مربی که در واقع پیام به وسیله آن‌ها انتقال داده می‌شود.

اگر در چهار عامل اول دچار ضعف باشیم، کسی که می‌تواند ضعف‌ها را بپوشاند، مربی است، از این رو، باید به مربی بهای بیشتری داده شود. منزلت و جایگاه مربی و ارزش معنوی و واقعی مربی در اجتماع باید نمایانده شود، بالاترین امتیازها و بیشترین امکانات معیشتی را باید به مربی و معلم اختصاص داد. ضمن این که معلم و مربی، رفاه طلب نیستند. اگر در هر جامعه‌ای بالاترین منزلت و مقام را مربی داشته باشد، آن جامعه بیمه و مصون خواهد بود. اگر دانش‌آموزان آرزو کنند که معلم شوند، آن جامعه به سعادت دست پیدا کرده و مصونیت فرهنگی پیدا خواهد کرد، اگر آرزوی شان غیر از این بود مشکل دارند.

ما باید یک بازنگری داشته باشیم درباره گزینش و تربیت مربی به معنای کلان کلمه؛ یک مربی باید متخلق به اخلاق حسنه باشد، متریبان را درک کند؛ به عبارت دیگر، شخصیتش آمیزه‌ای از محبت، عطف، منطق و استواری باشد، اگر چنین شد، مربی واجد ویژگی‌های یک مربی مسلمان می‌شود. از طرفی مربی ای که بیشترین تأثیر را می‌گذارد، محبوب متریبان واقع می‌شود. به همین دلیل یکی از دعاهای پیامبر گرامی اسلام این نبود که خدایا! ما را محبوب مردم بگردان بنابراین اگر مربی به نیازهای عاطفی، روانی و اجتماعی متریبان توجه داشته باشد و به شخصیت آنها بها بدهد، موفق خواهد بود.

مربیان: در تربیت، جذب و به کارگیری مربیان کارآمد به چه نکات اساسی باید توجه کرد؟

جواب: اگر ابزار و امکانات بیشتری به مربی اختصاص داده شود و آرامش و رفاه او تأمین گردد، مربی خودبه‌خود و فارغ از مشغله‌های دست و پاگیر، کارآمد و کار آزموده‌تر خواهد شد. به عقیده بنده اگر صد تومان پول داشته باشیم باید نود



تومان را صرف مربی و ده تومان دیگرش را صرف عمران و آبادانی نماییم.

مربیان: موقعیت فعلی تعلیم و تربیت در کشورمان را چگونه

ارزیابی می‌کنید؟

ج: در کشور ما، اهداف از جهت نظری خیلی خوب و زیباست؛ اما در روش‌ها دچار مشکل هستیم و هنوز روش مؤثری را برای انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب نداشته‌ایم. عموم مراکز آموزشی ما به بُعد دانشی، آموزشی و تکنولوژی بیشتر توجه دارند تا به بُعد بینشی. در بُعد آموزشی هم تنها به اطلاعات بسنده می‌شود و به خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها کمتر توجه می‌شود. بنابراین، باید هم به تعهدات شخصیتی بیشتر بها داده شود و هم به خلاقیت‌ها و نوآوری‌های ذهنی و فکری - متأسفانه عواملی مثل کنکور، رقابت‌های تحصیلی، آفت تحصیلی، حجم زیاد کتاب‌های درسی، آفت خلاقیت هستند - و تا زمانی که به ذهن خلاق بها ندهیم، موفق نخواهیم شد.

مربیان: با توجه به مشخصات سنی و وظایف سازمانی نظامیان و اهداف

سازمان‌های نظامی، برای مربیانی که در این گونه محیط‌ها به امر تعلیم و تربیت

اشتغال دارند چه توصیه‌هایی دارید؟

جواب: مربی، مربی است و در مقام «معلم بودن» باید نقش معلم را داشته

باشد. علاوه بر این که باید متخصص باشد، متعهد و منظم باشد، محرم اسرار هم

باید باشد و شخصیتش آمیزه‌ای از محبت، عطف، منطق و استواری نیز باشد.

منطق او باید توأم با محبت باشد، با منطقش، اعتماد به نفس را به دیگران یاد

بدهد. با عطفش، نیازهای عاطفی و روانی دیگران را تأمین کند.

